پیامدهای تلخ یک «میزبانی موقت»

گروه اجتماعی

ادامه از صفحه اول

آن طور که دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک تشریح کرده، در این مصوبه چند اتفاق افتاد، از جمله این که مؤسساتی شکل خواهد گرفت که الگوی مراقبت آن ها از کودکان به روش خانواده محور خواهد بود و جایگزین روش های اردوگاهی و گروهی موجود خواهد شد و از طرفی در گذشته نظارت بر نحوه نگهداری در مراکز و مؤسسات بر عهده سازمان بهزیستی و مراجع قضائی بود، اما به موجب اصلاح این آیین نامه و با توجه به دغدغه‌ای که در مورد کیفیت نگهداری این کودک وجود دارد علاوه بر سازمان بهزیستی و مراجع قضائی، مرجع ملی حقوق کودک نیز بر فرآیند مراقبت از اطفال نظارت می کند و همین موضوع شرایط بهتری برای کودکانی که در اختیار خانواده ها هستند فراهم خواهد کرد. کاظمی در توضیح بیشتر این موضوع به خبرگزاری ایسنا گفته است که «والدین بدسرپرست دوگونه‌اند، والدینی که بدسرپرستی آن ها قابل رفع است مانند والدینی که مشکل فقدان مهارت های دلگرمی دارند یابی توجه و سهل انگار هستند یا حتی معتادان؛ اما مواردی هم هست که برگشت ناپذیر است. قانون حمایت به برخی از این موارد اشاره کرده است. مانند والدینی که نسبت به کودک آزار جنسی داشته‌اند یا مرتکب خرید و فروش یا قاچاق وی شده‌اند. در مورد گروه اول در فاصله اصلاح خانواده زیستی می توان کودک را به خانواده میزبان به طور موقت سپرد و در مورد گروه دوم تا تعیین تکلیف خانواده زیستی، کودک می تواند در خانواده میزبان مراقبت شود و ترجیح این است که در این مورد، فرآیند واگذاری به خانواده جایگزینی که جایگزین خانواده زیستی شود، زودتر صورت پذیرد.»

با این حال منتقدان طرح میزبان علی رغم تأکید بر این موضوع که کانون خانواده می تواند نقطه عطفی در زیست کودکان بی سرپرست و بدسرپرست باشد، معتقدند پیش از نگارش و تدوین هر طرح و برنامه‌ای، باید صلاح فرزندان بهزیستی را در نظر گرفت. تا قبل از این، قوانین و مقررات فرزندخواندگی بسیار پیچیده و سختگیرانه بود تا حرمت این کودکان حفظ شود و به این ترتیب خانواده های متقاضی باید سال ها در صف انتظار می ماندند. حال این که در فرزندپذیری و یا میزبانی موقت، شرایط دشوار فرزندخواندگی حاکم نخواهد بود. مددکاران می گویند این موضوع چند دلیل عمده دارد که مهم ترین آن برداشتن بار مالی از دوش دولت است. آن طبیعتا هزینه نگهداری کودکان برای بهزیستی بسیار بالاست و مسئله اصلی محافظت از بودجه است. بنابراین در شرایطی که پروسه فرزندپذیری به صورت موقت از اساس دچار مشکل است، این طرح اجرایی شده. اگرچه ممکن است برای کودک بی سرپرستی که تصوری از خانواده ندارد، حضور در یک خانواده برای برهه ای هرچند کوتاه اتفاقی مبارک باشد و در این مدت با مفهوم خانواده آشنا شود. اما وقتی این اتفاق دائمی نباشد و کودک دوباره به مرکز بهزیستی برگردد، تصویر ذهنی او از خانواده مخدوش خواهد شد. قرار است در این طرح کودکان بدسرپرست پس از مدتی دوباره به خانواده های خود بازگشته یا به اصطلاح، «بازپیوند» شوند. در حالی که این شرایط، کودک را با بحران هویت و ناکامی مواجه خواهد کرد و تبعات روانی این پدیده آینده او را تحت تأثیر قرار می دهد.

کودکان شی نیستند، انسان اند

فاطمه قاسم زاده، روانشناس حوزه کودک در نقد این طرح به «رسالت» می گوید: «متأسفانه سازمان های دولتی در ارتباط با کودکان به ویژه کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست به علت کمبود منابع مالی به درستی عمل نمی کنند. انتظار این بوده و هست که معیار و هدف، مصلحت کودکان باشد و سازمان های دولتی باید براساس مصالح کودک تصمیم بگیرند. در حالی که در بسیاری از تصمیمات اتخاذ شده از جمله همین طرح میزبانی موقت، برخلاف مصالح کودکان عمل شده. کودکان شی نیستند که برحسب وضعیت خودمان جای آن ها را عوض کنیم، انسان اند و از رفتارهایی که با آن ها می شود بسیار تأثیر می پذیرند. بنابراین رفتار و تصمیمات ما در قبال آن ها نباید متناسب و مبتنی بر میزان بودجه باشد. چنانچه کودک در محیط خانواده به صورت موقت مستقر شده و خود او هم بداند که این حضور دائمی نیست، طبیعتا چنین موقعیتی کودک را مضطرب می کند. این کودکان همانند بزرگسالان قادر به استدلال پذیرش موضوعات نیستند و نگاهشان صرفا به شرایط موجود است و این وضعیت آنان را رنج می دهد. اگر کودکان در محیط باثبات تری قرار بگیرند، به لحاظ روانی بهتر است. این جا به جایی ها واقعا آسیب زننده است و احتمال این که این کودکان در بزرگسالی رفتارهای منفی و پرخاشگرانه از خود بروز دهند بسیار زیاد است، چون در کودکی با همین جا به جایی ها و تغییر محیط به آنان تنش وارد کرده ایم و بهتر بود پیش از اجرای این طرح نظر متخصصان را جویا می شدیم.»

این روانشناس در ادامه تأکید می کند: «نه تنها طرح فرزندپذیری موقت دارای اشکال است و به روحیه کودکان آسیب می زند، که بهزیستی در طرح فرزندخواندگی نیز به کودکان آسیب وارد کرده است، چراکه در برخی موارد، پرونده پزشکی و مشکلات فیزیکی کودک از متقاضیان پنهان می ماند و پس از آنکه مشکلات کودک برای خانواده محرز و عیان شد، به بهزیستی مراجعه و قرارداد فرزندخواندگی را فسخ می کنند؛ شاید این اتفاق کمترین ضرر را برای خانواده به همراه داشته باشد، اما کودک بیشترین لطمه روحی را متحمل خواهد شد، چون نمی تواند این مسائل را تجزیه و تحلیل کند.»

این روانشناس در تحلیل چرایی اجرای چنین طرح هایی به سه علت اشاره دارد: «علت اول به عنوان مهم ترین عامل این است که مسئولان ذی ربط شناخت کافی از کودکان ندارند و روش ها و طرح هایی که باید اجرایی شود را از نظر علم روانشناسی مورد سنجش و ارزیابی قرار نمی دهند. علت دوم هم ناشی از کمبود منابع اعتباری است و این کمبود منابع باعث می شود که به ناچار کودکان را در قالب طرح میزبانی موقت واگذار کنند. اما معتقدم اگر شناخت مسئولان مربوطه کافی باشد به گونه‌ای عمل می کنند که این کمبود بودجه به ضرر کودکان تمام نشود. علت سوم نیز به این خاطر است که حاضر نیستند طرح و برنامه های خود را با افراد متخصص و صاحب صلاحیت در میان بگذارند. در حالی که مشورت با متخصصین می تواند در شاکله و پیشبرد طرح ها مؤثر باشد. فراموش نکنیم ما برای کودکان تصمیم می گیریم و آن ها عروسک و اسباب بازی نیستند. اجرای این طرح برای هرکدام از کودکان در هر گروه سنی ای آسیب های خاص خودش را به همراه دارد، ممکن است کودکان زیر هفت سال درکی از موضوعات نداشته باشند اما جابه جایی محیطی، بیشتر روی آن ها اثر می گذارد. طبیعتا کودکانی هم که بالای هفت سال هستند به نحو دیگری آسیب می بینند و خودشان را با بچه های دیگر مقایسه کرده و از شرایط خود احساس نارضایتی خواهند کرد.»

قاسم زاده در خاتمه عنوان می کند که «برخی معتقدند بهتر بود این طرح ابتدا به شکل آزمایشی اجرایی می شد، در حالی که انسان با شی فرق دارد، شما در مورد سایر مسائل غیرانسانی می توانید با اجرای آزمایشی به نتیجه مطلوب برسید ولی در مورد انسان به ویژه کودکان موضوع متفاوت است و باید در این طرح نظر و صلاحدید متخصصان را جویا می شدند. اجرای طرح آزمایشی برروی کودکان آن هم چنین طرحی که تبعاتش عیان و مشخص است، مرسوم نبوده و نیست و از قبل می شد جوانب آن را سنجید. خیلی مسائل را لزومی ندارد حتما اجرایی کنید تا مشکلاتش مشخص شود، چون از همان ابتدا اشکالات آن مبرهن و واضح است.»

بهزیستی به دنبال رفع تکلیف؟

کوروش محمدی، در قامت آسیب شناس اجتماعی نیز به این طرح انتقاد دارد و در گفت وگو با «رسالت» عنوان می کند: «نباید در مورد مسائل مهم و حیاتی جامعه که مربوط به اقشار آسیب پذیر و به ویژه کودکان و نوجوانان است این گونه تصمیم گیری کرد. آنچه کودکان بدسرپرست و بی سرپرست به آن نیاز دارند نهاد خانواده است و همواره تلاش بر این بوده کودکانی که در مراکز نگهداری حضور دارند، به تدریج و تحت شرایط خاصی به خانواده های متقاضی واگذار شوند. این خانواده ها نیز باید مسئولیت کودک را همانند یک فرزند واقعی بپذیرند. عواطف و روابط بین خانواده و کودک باید به گونه‌ای باشد تا کودک احساس کند در کنار والدین واقعی خودش حضور دارد. طبیعتا خانواده ها نیز باید نیازهای کودک را تأمین و شرایط مناسبی فراهم کنند، بنابراین مشخص است که طرح میزبانی موقت آسیب زاست، چراکه کودک در قالب این طرح هویت فرزند پیدا نمی کند و همان طور که از عنوان طرح مشخص است، به شکل موقت به خانواده متقاضی سپرده شده و هیچ تعهدی هم برای خانواده ایجاد نمی شود. ظاهرا در صورت نارضایتی کودک و در مواجه با کمترین برخورد، ولو برخورد تربیتی، می توانند نارضایتی خود را به سازمان بهزیستی اعلام و دوباره به مرکز نگهداری برگردد. از این رو آسیبی که براثر سردرگمی، بی هویتی و تزلزل روانی بر کودکان در قالب این طرح وارد می شود، به مراتب بیشتر از نداشتن سرپرست و خانواده است. حتی ممکن است پس از مدتی روابط عاطفی بین خانواده و کودک شکل بگیرد و به یکدیگر وابسته شوند و چون این میزبانی موقت است، جدایی ضربات سخت و سنگینی را به کودک وارد می کند. به نظر می رسد که سازمان بهزیستی در قالب این طرح به دنبال آن است که از خودش رفع تکلیف کند، به این ترتیب کودک ابتدا به صورت موقت واگذار و به تدریج او را در خانواده‌ای باثبات مستقر می کنند. اما احساس ناامنی، سردرگمی و بی هویتی از جمله پیامدهای این جابه جایی نامبارک است. کودک در همان مراکز نگهداری به نسبت حضور در خانواده موقت شرایط بهتری خواهد داشت، چون در این مراکز تکلیف کودک روشن است. دستکم می داند که خانواده ندارد و در حد وسع و ظرفیت اندک مراکز نگهداری، خدماتی دریافت می کند اما وقتی کودک را به شکل موقت به خانواده‌ای واگذار می کنیم، هویتش را به نوعی زیرسؤال می بریم، به شخصیتش آسیب می زنیم و با او همانند یک کالا رفتار می کنیم، این رفت و برگشت ها عوارض نگران کننده‌ای دارد.»

محمدی با بیان این که سازمان بهزیستی مبتنی بر مأموریت ها و رسالت هایی که دارد خدمات لازم را به گروه های هدف ارائه نکرده، عنوان می کند: «این سازمان که در حال وسعت بخشیدن به تشکیلات اداری است، چندان نتوانسته متناسب با این توسعه و عنوانی که دارد، پاسخگوی نیاز گروه های هدف باشد، یکی از گروه های هدف این سازمان، کودکان بی سرپرست و بدسرپرستی هستند که عمدتا، خدمات ارائه شده به آن ها ناقص است، حالا این سازمان با اجرای میزبانی موقت همین خدمات ناقص را هم کنار گذاشته، در حالی که مأموریت این سازمان رسیدگی به همین موارد است. اگر بهزیستی بخواهد این گونه عمل کند، وجود چنین سازمانی فاقد کارآمدی لازم خواهد بود. چنانچه این سازمان توانایی انجام وظایف و تکالیف محوله را نداشته باشد، سرنوشت بخشی از جامعه از جمله کودکان بی سرپرست تغییر می کند. البته این اظهارات نافی زحمات و خدمات پرسنل این سازمان نیست، بلکه معتقدم سیستم بهزیستی، معیوب و ناکارآمد است و در حوزه رسالتی که برای این سازمان تعریف شده، سهم و نقش اثرگذاری نداشته. این سازمان به دنبال رفع تکلیف و پاک کردن صورت مسئله است، در حالی که باید خدمات را به شکل کامل و جامع ارائه دهد. بهزیستی به عنوان یک سازمان حاکمیتی وظیفه دارد تمام آن شرایط شبه خانواده را برای کودکان فراهم کرده و همان شیوه فرزندخواندگی را ترویج بدهد و امتیازات و خدماتی را به خانواده های داوطلب اختصاص دهد تا از همان ابتدا کودکان به شکل دائمی در خانواده مستقر شوند. در این شیوه خدشه‌ای به روح و روان کودک وارد نشده و شخصیت و منزلت اجتماعی او حفظ می شود.»

این آسیب شناس اجتماعی پیامدها و تبعات جابه جایی موقت را برای مقاطع سنی مختلف متفاوت دانسته و بیان می کند: «کودکانی که سن و سال پایین تری دارند، با آسیب های خاص خودشان مواجه می شوند و تغییر سرپرست برای آنان، عمدتا با اضطراب و اختلالات روحی روانی همراه است. طبیعتا در سنین بالاتر نیز کودک دچار بحران هویت و سرشکستگی شده و منزلت اجتماعی و عزت نفس او کاهش می یابد، و از این نظر میان جنسیت ها تفاوتی نیست؛ هم دختران و هم پسران آسیب می بینند ولی ممکن است با توجه به شرایط حاکم بر جامعه، برای دختران این جابه جایی بسیار خطرناک و غیرقابل جبران باشد. شاید برای پسران با ارائه خدماتی در آینده بتوان آسیب های ناشی از این طرح ناکارآمد و مخرب را تا حدودی جبران کرد ولی برای دختران این گونه نیست و آینده آن ها در معرض خطر خواهد بود.» محمدی در پاسخ به این پرسش که آیا ایجاد و تأسیس یک ساختار جدید و مجزا از بهزیستی، ویژه کودکان بدسرپرست و بی سرپرست می تواند در بهبود وضعیت این کودکان مؤثر باشد، عنوان می کند: «به جای تأسیس و ایجاد ساختار جدید باید ساختار بهزیستی را به شکل اساسی و بنیادین تغییر داد و در مسیر رفتارهای پیشگیرانه گام برداشت. پیشگیری از تکالیف و اهداف مهم سازمان بهزیستی است و یکی از معاونت های مهم این سازمان معاونت پیشگیری است، با این وجود اصل پیشگیری را رها کرده و به سمت مداخله و طرح های غیرکارشناسی نظیر طرح اخیر رفته اند، در حالی که باید ریشه یابی و آسیب شناسی کنیم، که چرا تعداد کودکان بی سرپرست و بدسرپرست در حال افزایش است. حتما این مسئله ناشی از اعتیاد، قاچاق مواد مخدر و یا فقر و مشکلات اجتماعی است. این دلایل را باید بررسی و برای آن ها برنامه ریزی کرد. مطابق آنچه شواهد و آمارها نشان می دهد در جامعه ما تعداد کودکان فاقد سرپرست مؤثر یا بی سرپرست مرتب در حال تولید است و نباید با این کودکان همانند ابزار رفتار کرد.

اگر نتوانیم این کودکان را در خانواده های باثبات و ایمن مستقر کنیم، آن ها در آینده طغیان کرده و دچار قلیان اجتماعی خواهند شد و نابهنجاری رخ می دهد.

در بهترین حالت ممکن کودک به اختلالات روحی روانی و افسردگی دچار خواهد شد. سازمان بهزیستی باید به جای پاک کردن صورت مسئله ساختار درونی خودش را اصلاح کرده و با تحولی بنیادین، خدمات مداخله‌ای برای اقشار آسیب پذیر را به شکل جامع و کامل ارائه کند، لذا این خطای محض است که سازمان یا تشکیلات جدیدی ایجاد و صرفا حوزه بروکراسی را توسعه دهیم.»

کوتاه شدن صف انتظار فرزندخواندگی

اردشیر گراوندزادگان، آسیب شناس اجتماعی بی سرپرست به اندازه‌ای افزایش یافته که اساسا بهزیستی توان نگهداری آن ها را ندارد و در عین حال به دلیل تغییر سبک زندگی و نگهداری از حیوان خانگی در منازل تمایل جوانان به فرزندخواندگی کاهش یافته و برخی اساسا فرزندخواه نیستند، بنابراین هم تعداد کودکان بی سرپرست زیاد شده و هم تمایل خانواده ها به نسبت گذشته برای فرزندخواندگی کاهش یافته است. از سوی دیگر به علت بالا رفتن هزینه- درآمد خانوار، بسیاری از خانواده ها قادر نیستند کودکی را به فرزندی بپذیرند. این موارد باعث شده بهزیستی طرح میزبانی موقت را کلید بزند. این توقفگاه موقت برای کودکان بی سرپرست نشان می دهد که دیگر همانند گذشته خبری از صف انتظار برای پذیرش سرپرستی این کودکان نیست.» این آسیب شناس اجتماعی تصریح می کند: «تاپیش از این، قوانین و مقررات فرزندخواندگی بسیار زمان بر بود و تمامی ضوابط علمی و روانشناسی رعایت می شد اما در حال حاضر به علت ناکافی بودن منابع و افزایش کودکان بدسرپست و بی سرپرست، بهزیستی از عهده نگهداری این کودکان برنمی آید. با این وجود میزبانی موقت خانواده ها از کودکان بهزیستی می تواند آسیب زننده باشد. به شخصه موافق این طرح نیستم. این که کودکی را به شکل موقت در اختیار خانواده داوطلب قرار دهید تا پس از مدتی این کودک در خانواده باثباتی قرار بگیرد، پیامدهای تلخی به همراه خواهد داشت و در این فرآیند روان کودک آسیب می بیند، حتی ممکن است بین او و خانواده وابستگی عاطفی ایجاد شود لذا این مسئله قابل پذیرش نیست.» گراوند در خاتمه به پیامدهای فرآیند فرزندخواندگی نیز اشاره کرده و خاطرنشان می کند: «تا پیش از این مقررات فرزندخواندگی پیچیده و سختگیرانه بود و در برخی موارد، شواهد میدانی و اظهارات خانواده ها نشان می داد که اغلب، کودکان بیمار و دارای معلولیت را به خانواده ها واگذار می کردند، آن هم در شرایطی که به خانواده اطلاع داده نمی شد و یا پرونده پزشکی کودک را پنهان می کردند، به این ترتیب خانواده ها پس از مدتی گرداندند و این مسئله در روحیه کودک تأثیر منفی داشت. البته بعضا بهزیستی از این موضوع اطلاعی نداشت و نمی دانست که ممکن است این کودک به بیماری خاصی مبتلا باشد.

بخش عمده‌ای از این کودکان ممکن است به بیماری های خونی و یا وراثتی مبتلا باشند که احتمالا علائم آن در سنین بالاتر ظهور و بروز خواهد کرد. از سوی دیگر با توجه به قوی نبودن سیستم غربالگری، وجود بیماری برای بهزیستی آشکار نیست، ولی تا همین چند سال قبل، تقاضای خانواده ها زیاد بود و باید مدت ها در نوبت انتظار می ماندند و به همین خاطر کمتر از سوی خانواده ها به مشکلات فیزیکی این کودکان توجه می شد و یا این احتمال هم وجود دارد که چون هزینه نگهداری برخی کودکان به دلیل امراضی که به آن مبتلا هستند بسیار بالاست، سعی بهزیستی این بوده که اول این کودکان را به خانواده ها واگذار کند اما پس از آن که خانواده متوجه بیماری کودک می شد، او را دوباره به مراکز نگهداری بازمی گرداند، لذا در فرآیند فرزندخواندگی نیز روح و روان کودک به شدت صدمه می دید.»

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

۱- آقای محمدرضا شریفی پور فرزند علی در شدانگ یک باب مغازه به مساحت ۲۴٫۶ مترمربع پلاک شماره ۴۰۳۲ فرعی مجزی شده از ۳۲۷ فرعی از ۱۸۱۸ اصلی واقع در اراضی کمال اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس خیابان سید جمال الدین اسدابادی حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی عرصه سید احمد نادر رضوی و اعیان علی میرزا بیگی (۱۴۰۰۰۸۳۱)

۲- آقای سید حسن حسینی نسب فرزند سید یحیی در شدانگ خانه به مساحت ۲۰۲٫۵۰ مترمربع پلاک شماره ۵۴۷۵ فرعی مجزی شده از ۱۸۳ فرعی از ۱۸۱۹ اصلی واقع در اراضی علی اباد اربابی رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس خیابان شهید بهشتی حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی قاسم نجدد (۱۴۰۲۴۴۹۰)

۳- آقای حجت حیدری زاده رحمت اابادی فرزند حسین در شدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۳۲۵٫۶۰ مترمربع پلاک شماره ۷۵۲ فرعی مجزی شده از ۵۲۸ فرعی از ۱۸۲۲ اصلی واقع در اراضی رستم اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس رستم اباد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی دولت جمشیدی (۱۴۰۳۰۱۹)

۴- آقای حجت حیدری زاده رحمت اابادی فرزند حسین در شدانگ باغ به مساحت ۳۲۲۵٫۰۳ مترمربع پلاک شماره ۷۵۱ فرعی مجزی شده از ۴۳۸ فرعی از ۱۸۲۲ اصلی واقع در اراضی رستم اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس رستم اباد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی مهدی صالحی (۱۴۰۳۰۱۸)

۵- خانم مریم حسینی بهجت اباد فرزند محمود در شدانگ خانه به مساحت ۴۱۳٫۳۵۵ مترمربع پلاک شماره ۱۲۰۲ فرعی مجزی شده از ۳۶۵ فرعی از ۱۸۲۳ اصلی واقع در اراضی حمید اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس خلیل اباد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی امرالله سلطانی (۱۴۰۲۵۴۳)

۶- آقای علیرضا قاسمیان زاده فرزند عباس در شدانگ خانه به مساحت ۲۸۹٫۳۵ مترمربع پلاک شماره ۱۲۲۱ فرعی مجزی شده از ۷۵۳ فرعی از ۱۸۲۳ اصلی واقع در اراضی خلیل اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس خلیل اباد کوچه امام هادی حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی حسین هرندی (۱۴۰۲۳۹۵)

۷- آقای محمد سام زاده فرزند علی و احسان سام زاده فرزند علی هریک در سه دانگ مشاع کلا از ششدانگ باغ به مساحت ۲۱۱۶۵ مترمربع پلاک شماره ۱۲۲۵ فرعی مجزی شده از ۳۶۹ فرعی از ۱۸۲۲ اصلی واقع در اراضی خلیل اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس خلیل اباد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی رخساره صالحی (۱۴۰۱۱۹۹۱)(۱۴۰۱۱۹۸۵)

۸- آقای حامد حیدرپور فرزند محمدرضا در شدانگ خانه وباغ به مساحت ۱۶۰۹٫۱۰ مترمربع پلاک شماره ۱۲۳۲ فرعی مجزی شده از ۶۷۸ فرعی از ۱۸۲۳ اصلی واقع در اراضی خلیل اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس خلیل اباد خیابان امام هادی حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی علی نقی سام (۱۴۰۲۱۳۷۱)

۹- آقای احمد میرزائی خلیل ابادی فرزند اکبردر شدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۱۷٫۸۳ مترمربع پلاک شماره ۱۳۳۶ فرعی مجزی شده از ۸۵۵ فرعی از ۱۸۲۳ اصلی واقع در اراضی خلیل اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس اراضی خلیل اباد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی علی اکبر میرزائی خلیل ابادی (۱۴۰۲۸۳۶)

۱۰- جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در شدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۷۷۵۵٫۲ مترمربع پلاک شماره ۲۷۰ فرعی مجزی شده از ۵۷ فرعی از ۱۸۳۴ اصلی واقع در اراضی همت اگاه رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس همت اگاه حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی حسن مرادی (۱۴۰۲۱۳۸۲)

۱۱- جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در شدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۸۶۷۵٫۲ مترمربع پلاک شماره ۳۷۴ فرعی مجزی شده از ۵۴ فرعی از ۱۸۳۴ اصلی واقع در اراضی همت اگاه رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس همت اباد اگاه حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی حسن مرادی (۱۴۰۲۱۳۸۸)

۱۲- جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در شدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۲۶۸۲ مترمربع پلاک شماره ۳۷۹ فرعی مجزی شده از ۵۷ فرعی از ۱۸۳۴ اصلی واقع در اراضی همت اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس همت اباد اگاه حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی حسن مرادی (۱۴۰۲۱۴۹۲)

۱۳- خانم رویا نظری نژاد فرزند قاسم در شدانگ خانه وباغچه به مساحت ۲۹۳۰٫۷ مترمربع پلاک شماره ۸۲ فرعی از ۱۸۴۱ اصلی واقع در اراضی علم اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس روستای علم اباد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی حسین نظری (۱۴۰۱۴۸)

۱۴- خانم طیبه امینی رنجبر فرزند اصغر در شدانگ زمین مزروعی به مساحت ۲۰۲۶۲٫۷۵ مترمربع پلاک شماره ۸۴۱ فرعی مجزی شده از ۱۶۳ فرعی از ۱۸۴۹ اصلی واقع در اراضی محمدابد دهنو رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس شهید عابدینی حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی احمد باقری (۱۴۰۲۲۷۸۳)

۱۵- آقای علی جان پیرمحمدی رحمت اباد فرزند حسین در شدانگ باغ به مساحت ۲۱۶۲٫۵ مترمربع پلاک شماره ۹۸۷ فرعی مجزی شده از ۳۷۲ فرعی از ۱۸۶۷ اصلی واقع در اراضی رحمت اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس رحمت اباد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی سکینه جاویدی (۱۴۰۲۱۲۶۵)

۱۶- آقای رضا حاجی قدرت ابادی فرزند علی در شدانگ باغ به مساحت ۱۷۷۵٫۶۸ مترمربع پلاک شماره ۹۹۸ فرعی مجزی شده از ۳۶۲ فرعی از ۱۸۶۷ اصلی واقع در اراضی رحمت اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس خیابان ۱۵ خرداد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی علی اسماعیلی رستم ابادی (۱۴۰۲۱۴۳۳)

۱۷- آقای عباس پورابراهیم فرزند علی در شدانگ باغ به مساحت ۲۹۱۱٫۲۴ مترمربع پلاک شماره ۱۰۰۱ فرعی مجزی شده از ۳۰۳ فرعی از ۱۸۶۷ اصلی واقع در اراضی رحمت اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس رحمت اباد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی پروین تاج اراسته کرمان (۱۴۰۲۲۶)

۱۸- آقای علی حسینی مهدی اباد فرزند حسین در شدانگ زمین مزروعی به مساحت ۲۰۵۰۰ مترمربع پلاک شماره ۲۱۲۰ فرعی از ۱۸۶۸ اصلی واقع در اراضی مومن اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس محمداباد دهنو حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی حسین فصیحی هرندی (۱۴۰۲۲۷۸۴)

۱۹- آقای حسن کشاورزی فرزند غلامحسین در شدانگ باغ به مساحت ۲۷۶۹٫۹۷ مترمربع پلاک شماره ۵۴۱ فرعی مجزی شده از ۱۱۱ فرعی از ۱۸۶۹ اصلی واقع در اراضی الله اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس الله اباد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی حسینعلی دوستدار (۱۴۰۲۰۲۳)

۲۰- آقای حمزه محمدی فرزند حسین در شدانگ باغ به مساحت ۲۴۱۶٫۲۱ مترمربع پلاک شماره ۵۴۴ فرعی مجزی شده از ۶۹ فرعی از ۱۸۶۹ اصلی واقع در اراضی الله اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس الله اباد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی ژاله خطیب (۱۴۰۲۱۹۱۳)

۲۱- آقای حامد یعقوبی رحمت اابادی فرزند اکبر و خانم سارا یعقوبی فرزند اکبر در سه دانگ مشاع از ششدانگ باغ به مساحت ۷۷۳۱٫۷۳ مترمربع پلاک شماره ۵۲۸ فرعی مجزی شده از ۴۸ فرعی از ۱۸۶۹ اصلی واقع در اراضی الله اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس الله اباد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی فاطمه صرافی زاده (۱۴۰۲۳۴۹)(۱۴۰۲۱۴۳۵)

۲۲- موقوفه شیخ ابوالقاسم هرندی در شدانگ باغ به مساحت ۲۳۱۷۵ مترمربع پلاک شماره ۳۸۱ فرعی مجزی شده از ۹۹ فرعی از ۱۸۷۰ اصلی واقع در اراضی شاه جهان اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس روستای اسلام اباد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی موقوفه هرندی (۱۴۰۲۱۹۴۴)

۲۳- خانم زهرا جعفری بهجت اباد فرزند رضا در شدانگ خانه مسکونی به مساحت ۲۳۵٫۱۰ مترمربع پلاک شماره ۶۸۷۲ فرعی مجزی شده از ۷۹ فرعی از ۱۸۸۳ اصلی واقع در اراضی عباس اباد خان رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس خیابان شهید جمالی فرد

۲۴- آقای مهدی جعفری فرزند عباس در شدانگ یکباب خانه همکف و چهار طبقه فوقانی به مساحت ۳۹۱٫۷۱ مترمربع پلاک شماره ۴۸۷۶ فرعی مجزی شده از ۶۰۱ فرعی از ۱۸۸۳ اصلی واقع در اراضی عباس اباد خان رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس خیابان مطهری کوچه ۵ حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی علی حسن رمضانی (۱۴۰۲۵۱۷)

۲۵- آقای حسن رنجبرزینلی صالح آباد فرزند علی در شدانگ خانه به مساحت ۲۲۷٫۰۳ مترمربع پلاک شماره ۶۸۷۹ فرعی مجزی شده از ۷۹ فرعی از ۱۸۸۳ اصلی واقع در اراضی عباس اباد خان رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس بلوار امام حسن مجتبی (ع) حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی رضا خلیلی نژاد و نصراله عباسی (۱۴۰۲۲۹۵۱)

۲۶- خانم صدیقه کاظمیان بهشت ابادی فرزند عباس در شدانگ خانه به مساحت ۲۶۸٫۱۶ مترمربع پلاک شماره ۶۸۸۷ فرعی مجزی شده از ۴۲-۴۳-۴۴ فرعی از ۱۸۸۳ اصلی واقع در اراضی عباس اباد خان رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس بلوار امام حسن خیابان نهضت ۳ حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی حسینعلی ابراهیمی (۱۴۰۲۳۱۱۶)

۲۷- آقای علی حسنی نژاد دولت اباد فرزند محمد در شدانگ خانه به مساحت ۲۹۲٫۰۴ مترمربع پلاک شماره ۹۹۲ فرعی از ۱۸۹۴ اصلی واقع در اراضی اسماعیل اباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس بلوار شهید عابدینی حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی هدایت الله غفاری (۱۴۰۲۳۰۸۴)

۲۸- آقای حسن علی اکبری نسب دهنوی فرزند علی در شدانگ زمین مزروعی به مساحت ۴۱۹۰٫۵۳ مترمربع پلاک شماره ۶۴۰ فرعی مجزی شده از ۳۴ فرعی از ۱۸۹۵ اصلی واقع در اراضی قاسم آباد بائر رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس الله اباد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی رضا اورندی (۱۴۰۲۰۱۸۰۷)

۲۹- آقای حسن علی اکبری نسب دهنوی فرزند علی در شدانگ زمین مزروعی به مساحت ۸۷۱۲٫۲۴ مترمربع پلاک شماره ۶۴۱ فرعی مجزی شده از ۳۴ فرعی از ۱۸۹۵ اصلی واقع در اراضی قاسم آباد بائر رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس الله اباد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی رضا اورندی (۱۴۰۲۰۱۸۰۶)

۳۰- آقای حامد رزائی فرزند حسن در شدانگ خانه به مساحت ۱۳۸٫۸۹ مترمربع پلاک شماره ۵۳۵۱ فرعی مجزی شده از ۱۲ فرعی از ۱۹۱۰ اصلی واقع در اراضی ده شیخ رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس امیرکبیر غربی حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی سیدجواد افضح هجری (۱۴۰۲۲۹۷۱)

۳۱- آقای حسین ترقی خواه فرزند محمد در شدانگ دامداری به مساحت ۷۶۵٫۱۵ مترمربع پلاک شماره ۳۱۱۹ فرعی مجزی شده از ۱۲ فرعی از ۱۹۱۳ اصلی واقع در اراضی اسداباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس اسداباد انتهای خیابان اروند حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی طاهره طالبی (۱۴۰۱۱۴۱)

۳۲- آقا رضا حسینی پور فرزند محمد در شدانگ باغ به مساحت ۳۵۷۱٫۲۰ مترمربع پلاک شماره ۳۱۸۵ فرعی مجزی شده از ۱۱ فرعی از ۱۹۱۳ اصلی واقع در اراضی اسداباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس اراضی اسداباد حسب استشهادیه محلی از مالکیت مالک رسمی علی یوسف پور (۱۴۰۳۱۶۶)

۳۳- آقای رضا حسینی پور فرزند محمد در ش